

با خون من روی کفتم بنویسید: وطن

۶ شهریور ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۱۴

در مرداد ۱۳۰۰ بعد از تغییر و تحولاتی که رخ داد و قوام السلطنه حکم صدارت دریافت کرد، کلنل محمدتقی خان پسیان حرکت اعتراضی خود را علیه رئیس الوزرا آغاز کرد.

پسیان سال ۱۳۰۹ هـ.ق در تبریز دیده به جهان گشود و تحصیلات مقدماتی را در همان شهر به پایان رساند و سپس به تهران رفته و وارد مدرسه نظامی شد.

در اثر حسن لیاقت و شایستگی به مدارج او افزوده شد و در این اثنا به خدمت در قزوین، بروجرد و همدان پرداخت و مدال طلای نظامی از طرف وزارت جنگ دریافت کرد. اما کارشکنی‌ها باعث دلزدگی وی شده و از خدمت کناره گرفت و برای درمان ورم کبد سال ۱۳۳۵ هـ.ق عازم آلمان شد.

در آنجا نیز بیکار نماند و بعد از یک سال وارد نیروی هوایی آلمان شد و دوره خلبانی را گذراند، بعد از آن به علت کسالت وارد نیروی زمینی آلمان شده و به خدمت خود ادامه داد. در این حین به تحصیل ریاضی و موسیقی نیز پرداخت. کلنل می‌نویسد: «... با این که ضعف اعصاب و چشم و کلیه علت مزاج مانع از قبول خدمت هوانوردی بود به تصور حصول مقصود داخل این خدمت شدم (دهم شعبان ۱۳۳۶) لیکن پس از ختم شناسایی میکابیک و ۳۳ مرتبه طیران سخت مریض شده نتوانستم تعقیب نمایم، درخواست انتقال داده به قسمت پیاده منتقل گردیدم (۳ شوال همان سال)».

وی پس از بازگشت به ایران (۱۳۳۸ ق) در زمان وزارت وثوق الدوله با وجود لیاقت و شایستگی مدت پنج ماه بیکار ماند تا در دوره وزارت مشیرالدوله به سمت رئیس ژاندارمری خراسان منصوب شد.

باید یادآور شد خراسان در این زمان که قوام السلطنه والی آن بود اوضاع نامناسبی داشت؛ کلنل خود درباره اوضاع خراسان می‌نویسد: «از بدو تصدی دچار یک سلسله اشکالات و مسائل لاینحلی گردیدم که دائما مرا در زحمت داشته و آنی راحت نمی‌گذاشتند از جمله مساله حقوق معوقه بود که با وجود این که بودجه ژاندارمری همه ماهه مرتبا از طرف اداره مالیه پرداخته شده بود و حقوق چندین برج افراد نرسیده و مبلغ معتناهی نیز اشخاص خارج طلبکار بودند و خیلی چیزهای دیگر که شرحش کتاب مفصلی لازم دارد.»

پسیان حسن اخلاق و صراحت در گفتار، کردار و اندیشه داشت. کلنل بسیار به ایران علاقه داشت و مثال یک وطن پرست حقیقی بود. خانم کنایر آلمانی، همسر معلم موسیقی کلنل در نامه‌ای که بعد از مرگ وی به مادر کلنل می‌نویسد این‌گونه از وی یاد می‌کند: «کلنل محمدتقی خان سلطانزاده انسانی بود که معنای فوق‌العاده‌ای برای انسانیت و ایرانیت داشت... غیر از مادرش چیزی که فکر او را مشغول و او را تسخیر نموده بود وطنش را باید نامید. با وجود این که مغفور می‌دانست و حس می‌کرد که پس از عودت به ایران به زندان برده خواهد شد نیز قدم پس نگذاشته به ایران برگشت.»

اما شاید حس وطن پرستی و ایران دوستی وی را می‌توان در نامه‌ای که برای مادرش ارسال داشته است، دید. کلنل برای مادرش می‌نویسد: «... هر وقت خبر شهادتم به تو رسید بساط شیرینی و چای را بچین و از مدعوین بخواه تا به تو تبریک بگویند... به دوستان خود نیز نوشته‌ام در کارت پستال‌های گلدار با حاشیه گلی رنگ به تو تبریک بگویند، مادر جان شما هم باید معامله به مثل کنید کشته شدن در راه آزادی و تحصیل آبرو برای وطن به عقیده من با گفتن تسلیت منافات دارد.»

پس از کودتا و به قدرت رسیدن سیدضیاءالدین طباطبایی، کلنل تقی خان، قوام السلطنه را دستگیر و به تهران می‌فرستد، اما چندی بعد قوام السلطنه با حکم وزارت از زندان آزاد می‌شود؛ در این هنگام محمدتقی خان پسیان دست به قیام می‌زد و ارتباط خویش را از تهران قطع می‌کند.

اما دست توطئه گریبان می‌درد و کردهای اطراف قوچان را به تحریک وامی‌دارد و از سوی دیگر عده‌ای از همقطاران کلنل به وی خیانت می‌کنند تا پس از جنگ‌های متوالی در جعفرآباد دو فرسخی قوچان با عده‌ای اندک به محاصره کردها می‌افتد و بعد از اصابت هفت گلوله جان به جان آفرین تسلیم می‌کند و سر بریده‌اش را به قوچان و سپس مشهد می‌برند و این واقعه به سال ۱۳۴۰ قمری روی می‌دهد در حالی که حدود ۳۰ سال از عمر وی نگذشته بود. علی آذری روایت می‌کند که کلنل قبل از شهادتش این‌گونه وصیت کرد: «با خون من روی کفنم بنویسید «وطن» و برای مادرم بفرستید.»

محمدتقی خان پسیان آلمانی، فرانسه و انگلیسی می‌دانسته و روسی نیز آموخته بود و کتاب‌هایی نیز از این زبان‌ها ترجمه کرده بود حتی در آلمان «سه سرود ملی» و «هفت آواز محلی ایرانی» را با مختصر مقدمه‌ای به زبان آلمانی می‌نویسد که به گفته خودش بسیار مورد توجه اهل موسیقی آلمان قرار می‌گیرد؛ وی طبعی لطیف داشت و گاهی شعر نیز می‌سرود و به گفته خودش در برخی جنگ‌ها اشعار حماسی فردوسی را همراه داشته که برای سربازان می‌خوانده است.

خانم «کنایر» در رساله «نجیب‌ترین ایرانی» درباره خصال مرحوم کلنل می‌نویسد: «آرزوی او این بود که نه تنها وطن و ملت خود را از زیر فشار بیگانگان رها سازد، بلکه سویه علمی، اخلاقی، صنعتی و اقتصادی ایران را به مرتبه عالی رساند. این است وظیفه که او را با یک حس مقدس از درون دلش مأمور می‌نمود.»

- قیام کلنل محمدتقی خان پسیان، علی آذری، بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه

- کلنل محمدتقی خان پسیان، به قلم چند نفر از دوستان و هواخواهان، انتشاراتسحر

منبع:جام جم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/27949/وطن-بنویسید-کفنم-روپ-خون>